

کارگران اتحادگرا به چه جرمی مجازات می شوند؟!

رضا اوستا

سیزدهم آبان ماه هشتاد و شش



همکاران، همراهان و همزمان اتحادگرا!

احکام زندان برای اعضا هیات مدیره ی سندیکا ی کارگران شرکت واحد ، رئیس هیئت مدیره آقای منصور اسالو و نایب رئیس آقای ابراهیم مددی صادر شد ، منصور اسالو پنج سال و ابراهیم مددی دو سال . وکلای سندیکا ، مددی و اسالو دفاعیات محکم ، مستدل و قابل اعتنایی نوشتند . این دفاعیات با تکیه بر قانون اساسی و قوانین مدنی کشور نوشته شده و در حقیقت

دفاع از آزادی اجتماعات وتشکل های صنفی اجتماعی بر اساس قانون است ولی قضات پرونده سندیکایی ها کاری به دفاع قانونی این حقوق دانان نداشته ، آنچنانکه در مورد بازداشت منصور اسالو ادعای قاضی حداد مبنی براینکه ایشان قبل از بازداشت در حال توضیح اعلامیه علیه کشور بوده است وقتی معلوم شد اعلامیه مورد نظر ایشان درخواست بیست درصد اضافه حقوق برای کارگران واحد بوده است هم اعلامیه جواییه سندیکا و هم روشنگری ودفاع وکلا مورد توجه قاضی حداد و سایر قضات قرار نگرفت . آنها بر اساس دفاع از حق حکم نمی دهند . تعجب آور این است که آنها توقع دارند رهبران سندیکا از وظیفه انسانی خود تخطی کنند و رایبی که در مجمع عمومی توسط کارگران به آنها داده شده است را ندیده بگیرند در مقابل فشارها تسلیم شوند، به خانه بروند و با بوی خوش رایحه ی خوش خدمتان شاد باشند . نه تنها این عزیزان منصور اسالو و ابراهیم مددی با حکم غیر مدنی و غیر عادلانه در زندان هستند بلکه بسیاری از اعضا هیئت مدیره و فعالان سندیکائی از کار خود معلق شده اند ، حقوق شان قطع شده ، بیمه آنها پرداخت نشده و دفترچه های تامین اجتماعی آنها مهر اعتبار نخورده و در شرایط سخت معیشتی حتی امکان استفاده از خدمات پزشکی و درمانی تامین اجتماعی از آنها سلب شده است. علاوه بر آن برای اکثریت مطلق آنها پرونده امنیتی تشکیل شده و این پرونده ها مانند شمشیر دامکلس بالای سرشان نگه داشته شده .

مراجعه دائمی آنها به مراجع قضائی و حقوقی همواره بی پاسخ می ماند . بعضی احکام بازگشت به کار، که از طرف کمیسیون حل اختلاف وزارت کار صادر شده است با مخالفت حراست شرکت واحد روبرو شده و حراست از آنها خواسته در مورد فعالیت سندیکائی تعهد بدهند که به فعالیت قانونی و به حق خود ادامه ندهند و بنده گوش به فرمان باشند. مراجعات مکرر کارگران تعلیقی شرکت واحد به سازمان مربوطه برای بازگشت به کار و همینطور ادارات وزارت کار آنها را با این مساله آشنا کرد که مخالف عمده ی بازگشت به کار سندیکایی ها ، شورای تامین استان است . این که فرهنگ سندیکائی و فعالیت عملی آن در سازمان حمل و نقل کشور جاری شود و مانند همه جای دنیا کارگران از

طریق تشکیلات صنفی خود با کارفرما مذاکره داشته باشند و خواسته های خود را علنی و روشن با مدیریت مطرح کنند و در یک تعامل ملی و عمومی برای پیشرفت جامعه نظربدهند و انجام وظیفه کنند از نظر شورای تامین استان تهران قابل انجام نیست و می تواند برای امنیت جامعه زیان داشته باشد. نظریه سود و زیان سندیکا در شرایط فعلی از طرف بسیاری از مدیران مطرح می شود، و بسیاری از مدیران هم هستند که با بودن سندیکا و اتحادیه های کارگری و کارفرمایی مخالفتی ندارند ولی جرات ابراز و دفاع از نهاد های مدنی را نیافته اند.

کارگران فعال در نیشکر هفت تپه پس از یک تلاش نفس گیر و تحمل خسارت و مشقت سنگین توانستند حقوق عقب مانده چند ماهه خود را دریافت کنند. عده ای از کارگران به این نتیجه رسیدند که اگر سندیکا داشته باشند می توانند بوسیله نمایندگان خود مسائل و مشکلات واحد خود را با کارفرما و دولت مطرح کنند و بصورتی ساده تر و عملی تر مشکلات، از طریق مذاکرات سه جانبه کارگر- کارفرما- دولت حل شود. آنها برای تشکیل سندیکا اقدام کردند ولی واکنش دستگاه امنیتی کشور بازداشت آنها و به زندان فرستادن آقای فریدون نیک فرد یکی از فعالین اتحاد گرا بود. کارگران زندانی محدود به اسالو، مددی، محمود صالحی و... نمی شود، بسیاری از حق طلبان و اتحاد گران به جرم باور کردن اتحاد ملی و سامان دادن آن از طریق تشکل های صنفی و اجتماعی در زندان هستند یا در چارچوبه خانه به اجبار محبوسند.

تجربه نیشکر هفت تپه نشان داد که چه کسانی دشمنان واقعی اتحادیه های کارگری و تشکل های مستقل هستند. در مقابل واردات شکر به شکل بسیار زیاد و نامحدود و با استفاده از تسهیلات گمرکی سرمایه داران قوی در تجارت توانستند تولید شکر داخلی را با بحران اساسی روبرو کنند به حدی که کشتی این مجتمع تولیدی به گل نشست و توان پرداخت حقوق کارگران را نداشت. در این مرحله و بعد از اعتراضات و درگیری های شدید کارگران گرسنه و مغموم و پس از کشمکش های زیاد عاقبت دولت شکر انباشت شده کارخانه را خرید تا بتواند حقوق کارگران را بپردازد. این واقعه به ما می فهماند که کارفرمای دولتی و غیر دولتی تعیین کننده سیاست بگیر و ببر کارگران چه کسانی هستند. مانع عمده شکل گیری تشکل های کارگری سرمایه دارانی هستند که تولید ملی در چارچوب مرزهای ایران به تجارت یک جانبه آنها صدمه می زند. این بخش از سرمایه قدرتمند، باتجربه و دارای تشکیلات بسیار منسجم حزبی و صنفی هستند و سازمان هایی که سرمایه تجاری کشور ما را نمایندگی می کنند به حدی قدرتمند هستند که می توانند بر تصمیمات مهم کشوری و لشگری تاثیرگذار باشند.

اغلب مدیران از دست های پنهان صحبت می کنند. از گمرک های خصوصی و مافیای واردات کالا حرف می زنند. سوال مهم این است که وقتی عده ای کارگر می خواهند با خانواده دوست زندانی خود-یعنی اسالو- ملاقات داشته باشند سریعاً نیروهای انتظامی و امنیتی واکنش نشان می دهند و آنها را به شکل کاملاً غیر قانونی بازداشت می کنند، بدون آنکه جرمی مرتکب شده باشند آنها را در زندان نگه می دارند ولی در مقابل واردات غیر قانونی و اشباع شده ی کالا که اساس امنیت تولید را نابود می کند، امنیت شغلی و زندگی کارگران را به خطر می اندازد و باعث درگیری ها و تنش های بی انتها شده است، دستگاه های مسئول کشوری عکس العملی نشان نمی دهند. نمی خواهند یا نمی توانند دشمنان واقعی امنیت اجتماعی را افشا کنند. بازداشت ها، زندان ها، فلاکت ها و صدمات را نیروی کار جامعه تحمل می کنند تا زراندوزها بتوانند حساب های بانکی خود را به ارقام نجومی برسانند.

دوستان عزیز کارگران اتحادگرا !

ما نباید مایوس شویم . حبس و زندان و مشقت های دیگر در مقابل فاجعه ای که برای تمامی حقوق بگیران کشور و سرانجام ،جامعه مصیبت کشیده ما تحمیل می شود امری ناچیز است . آنچه که کارگر پیشرو را نسبت به آینده امیدوار می کند این است که تمامی جوامع عقب مانده مجبور به رشد هستند . همیشه نیروهای خوش فکر و آینده نگر جامعه قربانی محروم ماندن اکثریت جامعه و منفعت طلبی و قدرت پرستی اقلیت ثروت مند جامعه می شوند ولی جریان جاری آگاهی اندیشه از مجرای تلاش کارگران پیشرو آگاه و اندیشمند متعهد در عمق جامعه جریان پیدا می کند . اتحادگرایی یقینا ثمر خواهد داد . عقب ماندگان ذهنی و زراندوزان روزبروز کمتر و کمتر خواهند شد زیرا که این نیاز بشر است . سندیکا ، اتحادیه ، تشکیلات و نهادهای مردمی . مستقل ، آزادی آنها و تاثیر آنها بر جامعه مانند نفس کشیدن، ضرورت حیات یک ملت است . یقین داشته باشید با صبر و استقامت سرانجام پیروز خواهیم شد به شرطی که اقدام ما اتحاد باشد و در این مسیر بر یکدیگر خرده نگیریم . بی تجربگی ها را به دوستانمان ببخشیم و جامانده ها را با خود همراه کنیم .

رضا اوستا

دهم آبان ۱۳۸۶

سایت سلام دمکرات

شنبه ۳ نوامبر ۲۰۰۷، بوسیله ی دیاکو